

#### یادداشت

## جنگ رمضان، آتش بس و ابهام در چشم‌انداز پیش‌رو



مرتضی شریانی

ترامپ با انتشار متنی در شبکه اجتماعی خودش اعلام کرد حمله به ایران را به تعویق انداخته است. او همچنین گفته این تأخیر در شروع دوباره جنگ به دلیل درخواست سران عربستان، قطر و امارات و همچنین پیشرفت در مذاکره با ایران بوده است. البته در ادامه مواضع گیج‌کننده ترامپ، او نگفته مذاکرات ادعایی او بین ایران و آمریکا بوده یا ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس و بدیهی است کسی نمی‌داند چه بخشی از سخنان ترامپ حقیقی است و چه بخشی ساخته ذهن او و مهم‌تر اینکه آیا ما شاهد شعله‌ورشدن دوباره آتش جنگ هستیم؟ مسلما این پرسش اصلی این روزهای افکار عمومی است که علی‌رغم فراگیری قابل توجه، با پاسخ واضحی مواجه نمی‌شود. اما دلیل آن چیست و چرا هیچ چیز قطعی وجود ندارد؟ شاید بتوان گفت این یک مورد استثنایی است که تقریبا همه تحلیلگران سیاسی از احتمال یکسان برای وقوع اتفاقات متضاد حرف می‌زنند و تحلیلگران در بهترین حالت احتمال تحقق یک سناریو را اندکی بیشتر از سناریو دیگر می‌دانند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیلی که موجب ابهام در سرنوشت آتش‌بس و سرانجام کشمکش بین ایران و آمریکا شده را می‌توان به صورت خلاصه در موارد ذیل جمع‌بندی کرد.

۱- جنگ رمضان در ۹ اسفند آغاز شد. آمریکا و اسرائیل جنگ را با ترور رهبر معظم انقلاب و ارشدترین فرماندهان نظامی کشور آغاز کردند و اهداف تهاجم نظامی خود را در تغییر نظام سیاسی ایران یا حداقل تغییر کلی و حداکثری در رویکردهای امنیت ملی و سیاست‌های منطقه کشورمان اعلام کردند. هرچند با توجه به اتحاد پنج حزب مسلح و ترویس‌ت‌گرد فقط چند روز پیش از شروع جنگ، گزارش‌های بعدی درباره گفت‌وگویی مقام‌های دولت ترامپ با این احزاب تجزیه‌طلب و ادعاهای ترامپ مبنی بر ارسال اسلحه برای آنان، می‌توان نتیجه گرفت از بین رفتن و تضعیف شدید دولت مرکزی، ایجاد بی‌ثباتی و حتی تجزیه سرزمینی ایران هم می‌توانست اهداف مدنظر اما اعلام‌نشده آمریکا و اسرائیل باشد. اما در صحنه عمل حمله همه‌جانبه آمریکا و اسرائیل به ایران، نه‌تنها به هیچ دستاورد استراتژیکی منتهی نشد، بلکه این برخورد نظامی در نهایت ایران را به حاکم بلاملناخ تنگ هرمز تبدیل کرد و ایران توانست در بهره‌گیری از فرصت جنگ، تنش در رابطه خود با آمریکا را به سرتاسر جهان تسری بخشیده و اقتصاد جهانی را وارد بحران کند. در واقع جنگ رمضان نه‌تنها دستاوردهای مدنظر را برای آمریکا و اسرائیل به همراه نداشته، بلکه در عمل مزیتی راهبردی را در ایران فعال کرده که تمام معادلات سیاسی را در منطقه و جهان تحت تأثیر قرار داده است.

۲- در روز چهارم جنگ، آتش‌بس برقرار شد. بعد از آتش‌بس مذاکراتی سطح بالا در پاکستان انجام شد که پس از ۲۱ ساعت به شکست انجامید. برای ترامپ و دولت آمریکا مهم‌ترین مسئله و هدف اصلی از آتش‌بس، بازکردن تنگه هرمز و رفع بحران جهانی ناشی از آن بود. اما ایران قصد بازکردن تنگه هرمز به شکلی که مدنظر آمریکا بود را نداشت، چراکه آن را مهم‌ترین اهرم قدرت خود در معامله با آمریکا می‌دانست. ترامپ پس از اینکه دید ایران علی‌رغم آتش‌بس نمی‌خواهد تنگه هرمز را کاملا باز کند، دستور محاصره دریایی ایران را صادر کرد. ایران نیز در پاسخ از مذاکره خارج شد و پایان محاصره را شرط شروع دوباره مذاکرات اعلام کرد. از آن زمان دو طرف تلاش کرده‌اند با تبادل پیام با وساطت پاکستان، چارچوب قابل قبولی را برای آغاز مذاکرات طراحی کنند، اما درخواست‌های طرفین آن‌قدر از هم دور است که پس از یک ماه، حتی چارچوب مذاکراتی مورد تأیید دو طرف شکل نگرفته است. در این شرایط آنچه برای ترامپ غیرقابل تحمل محسوب می‌شود، شروط ایران مبنی بر تعویق مذاکرات هسته‌ای و موکول‌کردن آن به پایان جنگ «در همه جبهه‌هاست». در واقع جنگ رمضان شرایطی را ایجاد کرده که ایران حتی از مذاکره درباره مسائلی که قبل از جنگ به راحتی آماده بود درباره آنها مذاکره و تعامل کند، شانه خالی می‌کند و پذیرفتن چنین چیزی می‌تواند به حیثیت سیاسی ترامپ آسیب بزند، ضمن اینکه پذیرفتن اشتباه در چارچوب شخصیتی ترامپ غیرممکن است. بنابراین هرچند مذاکرات به بن‌بست نرسیده، روند آن بسیار کندتر از آنی است که برای ترامپ قابل تحمل باشد.

۳- در این میان آمادگی نظامی دو طرف، شرایط را پیچیده‌تر کرده است. تمام گزارشات موجود نشان می‌دهد هم ایران و هم آمریکا و اسرائیل با ترمیم قابلیت‌های نظامی خود، آماده شروع مجدد جنگ هستند و در هر زمانی امکان آغاز دوباره عملیات نظامی امکان‌پذیر است. طرفین با شروع آتش‌بس، به‌سرعت ترمیم قابلیت‌های نظامی خود را آغاز و مواضع خود را تقویت کرده‌اند. در این چارچوب، همه چیز منتظر تصمیم رئیس‌جمهوری است که ثابت کرده روحیات متلون و ریسک‌پذیری دارد و برخلاف اسلاف خود، آماده است بدون توجه به هشدارهای کارشناسی، تصمیمات خطرناکی را با پیامدهای مبهم اتخاذ کند.

در نهایت و در جمع‌بندی باید گفت ترامپ جنگی را آغاز کرده که موقعیت استراتژیک ایران را بهبود بخشیده و ایران امروز در پای میز مذاکره درخواست‌های بیشتری نسبت به پیش از جنگ دارد؛ اما این برای شخصیتی همچون ترامپ قابل تحمل نیست. این در حالی است

که ثابت شده جنگ هم به نتیجه مشخصی نمی‌رسد و در عمل جنگ پیشین ایران را در تقابل با آمریکا قوی‌تر کرده است. در این چارچوب گزینه مناسبی برای آمریکا وجود ندارد؛ ایالات متحده با شرایط فعلی، یعنی وضعیت «نه جنگ نه صلح» را ادامه می‌دهد که این مسئله با توجه به تداوم بسته‌ماندن تنگه هرمز قابل قبول نیست، یا به میزان مشخصی به شرایط ایران تن می‌دهد که آن هم با شخصیت ترامپ سازگار نیست، یا دوباره به ایران حمله می‌کند که این مسئله هم با توجه به نتایج جنگ رمضان می‌تواند حتی شرایط را برای آمریکا بدتر کند، به‌ویژه که رهبران ایران در تصمیمی هوشیارانه نه‌تنها تاکنون از ظرفیت متحدین حوثی خود بهره‌ای نگرفته‌اند، بلکه حمله جدی و فلج‌کننده‌ای به خط لوله شرقی عربستان و تلبئه‌خانه‌های آن، که شش میلیون بشکه نفت را به سواحل دریای سرخ منتقل می‌کند، نکرده‌اند. اما حمله دوباره به ایران می‌تواند به فعال‌شدن حوثی‌ها، توقف کامل روند صادرات نفت از دریای سرخ و تشدید بحران در اقتصاد جهانی بینجامد، بدون آنکه احتمالا تأثیری در موقعیت نهایی یا مواضع ایران ایجاد کند. تحولات چند روز گذشته نشان می‌دهد در صورت بروز دوباره جنگ، ابعاد آن می‌تواند به صورت غیرقابل کنترلی گسترش یابد. اما آیا ترامپ به تبعات تصمیم‌هایش فکر می‌کند؟ شاید آری و شاید هم نه.

دیدار ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، با شی جین‌پینگ، همتای چینی او در پکن، با چنان شور و شوقی برگزار شد که نشان داد هر آنچه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده برای جدایی این دو رشته بود، پنبه شده است. دیداری که روز چهارشنبه با ضرب‌المثلی از سوی پوتین مبنی بر دل‌تنگی او برای شی آغاز شد، سرانجام با متهم‌کردن قدرت‌ها به بازگرداندن جهان به قانون جنگل، انتقاد به جنگ‌افروزی علیه ایران و تقویت همکاری‌های راهبردی و امنای ۴۰ سند همکاری به پایان رسید. چند روز پیش از آنکه دونالد ترامپ برای دومین دوره به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۲۴ انتخاب شود، وعده داد روسیه و چین را از هم «جدا» خواهد کرد و جو بایدن، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا را متهم کرد این دو کشور را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده است. اما اقدامات اخیر خود او در ادامه همان سیاست‌هایی است که روزی منتقد تند و تیزشان بود و به اتحاد میان پکن و مسکو می‌انجامید.

#### استقبال پرشور درپکن

رئیس‌جمهور روسیه که برای سفری دوازده روزه از عصر سه‌شنبه وارد چین شده بود، دیروز چهارشنبه با رئیس‌جمهور این کشور دیدار و گفت‌وگو کرده و طرفین بر دوستی و عمق روابط دوجانبه تأکید کردند. آنچه بیش از همه در جلسه پرشکوه پس از گفت‌وگو پشت درهای بسته مورد توجه قرار گرفت، جمله‌ای بود که پوتین بر زبان آورد، رئیس‌جمهور روسیه در جریان مذاکرات با رئیس‌جمهور چین با لحنی پرطمراقت گفت: جناب رئیس، آقای شی جین‌پینگ، دوست عزیزم، استفاده از یک ضرب‌المثل چینی مناسب است. همان‌طورکه می‌دانیم، در چین می‌گویند «ما یک روز است که یکدیگر را ندیده‌ایم، اما انکار سه پاییز گذشته است». شی، رئیس‌جمهور چین هم برای پوتین کم نگذاشت و گفت روسیه و چین به طور مشترک مسیر توسعه روابط دوجانبه را براساس احترام و منافع متقابل تعریف می‌کنند. او که به‌تازگی میزبان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده بود، دیدار با دوست قدیمی خود را دوستانه و سازنده خواند و گفت روابط دو کشور در سطح بی‌سابقه‌ای قرار دارد. پوتین هم بر این موضوع صحنه گذاشته و تأکید کرد روابط روسیه و چین به سطح واقعی بی‌سابقه‌ای رسیده و همچنان در حال توسعه است. در اعلامیه مشترک دو کشور که از سوی کرملین منتشر شده، در این مورد آمده که وضعیت جهانی پیچیده‌تر می‌شود، دستور کار صلح و توسعه جهانی با خطرات و چالش‌های جدیدی روبه‌رو است و خطر تجزیه جامعه بین‌المللی و بازگشت به «قانون جنگل» وجود دارد. طبق آنچه تحلیلگران می‌گویند: همکاری چین و روسیه در طیف وسیعی از مسائل استراتژیک همچنان قوی، نهادینه و هماهنگ ادامه دارد. وری اوشاکوف، دستیار سیاست خارجی کرملین، روز چهارشنبه گفت مذاکرات بین ولادیمیر پوتین و شی جین‌پینگ، مثبت بوده و آنها درباره موضوع مهمی در زمینه انرژی به توافق رسیده‌اند. کرملین می‌گوید شی و پوتین شاهد امضای ۲۰ سند همکاری بودند و انتظار می‌رود دست‌کم ۲۰ سند دیگر نیز امضا شود.

#### جنگ ایران و افزایش همکاری‌های پکن و مسکو

الجزیره می‌گوید جنگ ایران نیروی محرکه قدرتمندی برای تقویت روابط روسیه و چین فراهم کرده است. بسته‌شدن تنگه هرمز باعث شده چین به‌شدت به نفت و گاز روسیه وابسته شود و این مسئله به مسکو کمک کرده خزانه خود را پر کند و منابع مالی بیشتری برای ادامه جنگش در اوکراین به دست آورد.

پیش‌تر نیز در سپتامبر سال گذشته -سه ماه پس از حمله اسرائیل به ایران- شرکت‌های چینی تقاهم‌نامه‌ای با غول انرژی روسیه، گازپروم، امضا کردند تا واردات گاز روسیه از طریق دو خط لوله را از ۴۸ میلیارد متر مکعب به ۵۶ میلیارد متر مکعب افزایش دهند. پروژه خط لوله گازی «قدرت سیبری ۲» که مدت‌ها به تعویق افتاده بود، بار دیگر روی میز قرار گرفته است. ادامه صادرات قطعات و فناوری چینی نیز به صنایع نظامی روسیه کمک کرده تا نیازهای جبهه جنگ اوکراین را تأمین کند. پکن و مسکو شاید روابط اقتصادی قدرتمندی داشته باشند، اما آنچه امروز واقعا آنها را متحد کرده، تحلیل مشترکشان از غرب تحت رهبری آمریکاست و خطری که این غرب برای بقیه جهان ایجاد می‌کند. تصور آمریکا به عنوان بازیگری سرکش و اساسا غیرعقلانی، به‌طور طبیعی این دو کشور را به هم نزدیک‌تر می‌کند.

اما همیشه اوضاع چنین نبود. چند دهه پیش، آمریکا رویکرد کاملا متفاوتی داشت و در بهره‌برداری از اختلافات میان اتحاد جماهیر شوروی و چین نیز موفق عمل کرد. ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا که تحت تأثیر فاجعه جنگ ویتنام قرار گرفته بود، در اوایل دهه ۱۹۷۰ سیاست تنش‌زدایی با شوروی را دنبال کرد و هم‌زمان به چین نزدیک شد و به‌آرامی آن را به سمت اصلاحاتی سوق داد که این کشور را به شکلی بنیادین دگرگون کرد.

هر دو راهبرد در بلندمدت موفقیت بزرگی برای دیپلماسی آمریکا

**مدرک فارغ‌التحصیلی محمد سنگو فرزند ماشالله به شماره شناسنامه 0520272064 و دارای کد ملی 0520272064** صادره از اراک در مقطع

**کاردانی رشته الکترونیک** صادره از واحد دانشگاهی اراک به شماره سازمان مرکزی **129312100086** به تاریخ **1393/09/03** صادر گردیده است **فاقد اعتبار** می‌باشد. لذا از پاینده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاداسلامی واحد اراک میدان امام خمینی (ره)، بلوار امام خمینی (ره)، شهرک دانشگاهی امیرکبیر دانشگاه آزاد اسلامی صندوق پستی ۳۸۱۳۵/۵۶۷ حوزه معاونت آموزشی و مهارتی دانشگاه اداره دانش‌آموختگان اراک ارسال نماید.

#### برگ سبز موتور یاماها انمکس به رنگ مشکی

**مدل ۱۴۰۰به شماره تنه 1A10915 شماره**

**موتور ۰۴۷۱۶۰۰** و شماره شهربانی **۷۵۸۱۹** ایران **۱۲۷** ابنام

#### ابوالفضل رحمانی مفقود گردیده

**وفاد اعتبار** است.

**برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو** **تیا سفید**

**مدل ۱۳۹۷** به شماره پلاک **۱۷۷** ایران **۱۷۲** ص **۸۳**

**شماره شاسی ۱۱۰۰J۱۱۹۲۶۵۸** **NAS۸۲۱۱۰۰**

**و شماره موتور M1۵۸۶۷۵۷۲۲**

**به نام ابراهیم کیوانی امید با کد ملی ۰۰۶۰۵۹۸۳۱۱**

**مفقود شده و فاقد اعتبار است.**

**برگ سبز پژو ۴۰۵** **خاکستری** **مدل ۱۳۹۲**

**به شماره پلاک ۳۱** ایران **۲۴۹** ص **۸۴**

**شماره شاسی ۰۸۱CA۵۵DK۶۲۲۰** **NAAM**

**و شماره موتور ۱۲۴K۰۱۹۸۴۳۱**

**به نام مسعود رحمتی با کد ملی ۴۰۶۰۹۳۹۸۹۷**

**مفقود شده و فاقد اعتبار است.**

#### پروژه ناتمام دونالد ترامپ

## اتحاد خرس و اژدها



محسوب شدند و در نهایت به گذارهای نسبتا آرام در شوروی و چین به سمت نظام‌های سیاسی‌ای انجامیدند که بسیار بیشتر در راستای منافع آمریکا عمل می‌کردند. اتحاد روسیه و چین هرگز امری بدیهی و از پیش تضمین‌شده نبود. امپراتوری روسیه در قرن نوزدهم همراه با دیگر قدرت‌های استعماری غربی در تقسیم و نفوذ بر چین مشارکت داشت. ژوزف استالین به کمونیست‌های چینی کمک کرد تا در سال ۱۹۴۹ به قدرت برسند، اما اندکی پس از مرگ او، این دو غول کمونیست به رقبایی تلخ تبدیل شدند و یکدیگر را به «تجدیدنظرطلبی» متهم کردند. تا سال‌های پایانی اتحاد جماهیر شوروی، مسکو پکن را بیشتر دشمن می‌دانست تا دوست، اما ظهور جهان تک‌قطبی تحت سلطه آمریکا آنها را به هم نزدیک‌تر کرد. هرچند مقداری بی‌اعتمادی همچنان باقی ماند. اقدامات دولت‌های بعدی آمریکا این روند را شتاب بخشید. بیل کلینتون، جورج دبلیو بوش و باراک اوباما گسترش ناتو را هرچه بیشتر به مرزهای روسیه نزدیک کردند. بایدن نیز به شعله‌ورشدن جنگ نیابتی (به تعبیر بوریس جانسون، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا) در اوکراین کمک کرد و هم‌زمان، لحن تحریک‌آمیز واشینگتن درباره تایوان نیز چین را خشمگین کرد. امروز صحنه‌های مرتبط با حملات آمریکا و اسرائیل، انگیزه‌ای قدرتمند برای مسکو و پکن ایجاد کرده تا اقدامات خود را هماهنگ و از توافق‌های جداگانه با آمریکا پرهیز کنند. همین نگاه به اتحادیه اروپا در شکل‌کنونی آن نیز تعمیم پیدا کرده است؛ اتحادیه‌ای که آنها آن را عروسک خیمه‌بازاری یکی از جناح‌های رقیب آمریکا، یعنی دموکرات‌ها، می‌دانند.

چین با نگرانی به جنگ اوکراین و ایران نگاه می‌کند و از آمریکا و به‌تبع آن از کل غرب احساس خطر دارد. آیا آنها واقعا تا این حد دیوانه‌اند که با حمله خود و محاصره تنگه هرمز، جهان را وارد بحران انرژی کنند و هم‌زمان درگیر بازی خطرناک لبه پرتگاه با روسیه شوند؛ کشوری که زرادخانه هسته‌ای‌اش توان نابودی بشریت را دارد؟ آیا واقعا می‌خواهند همه این کارها را هم‌زمان با به‌راه‌انداختن جنگ تجاری علیه بزرگ‌ترین اقتصاد جهان، یعنی خود چین، انجام دهند؟ با توجه به دامنه توجه کوتاه‌مدت و مشهور ترامپ، شاید او حتی به یاد نداشته باشد که زمانی قصد داشت چین و روسیه را از هم جدا کند؛ اما البته این دو کشور آن را به‌خوبی به خاطر دارند. دعوت شی از پوتین درست پس از سفر ترامپ، پیامی قدرتمند به آمریکاست مبنی بر اینکه اتحاد روسیه و چین از هر زمان دیگری مستحکم‌تر شده است.

## شرق

#### گزارش

#### آشوب فلج‌کننده در بولیوی

هواداران مورالس خیابان‌ها را تصرف کردند

فقط شش ماه پس از پیروزی چشمگیر و غیرمنتظره جریان راست‌گرا و طرفدار بازار آزاد در بولیوی، دولت جدید تحت حمایت قاطع ایالات متحده به ریاست رودریگو پاز با بحرانی فلج‌کننده و مرگ‌بار روبه‌رو شده که پایتخت سیاسی کشور را به محاصره درآورده است. به نوشته ان‌بی‌آی، پاز به یک پیروزی غافلگیرکننده در انتخابات دست یافت، اما حزب دموکرات مسیحی که اوکتاویو پاز را به قدرت رساند، به‌سرعت در داخل پارلمان دچار انشعاب و چنددستگی شد. در همین حال، رئیس‌جمهور درگیر یک خصومت علنی و آشکار با معاون خود، «ادمن لارا» که از افسران سابق پلیس است، قرار دارد.

در این میان، اوو مورالس، رئیس‌جمهور چپ‌گرا و منتقد سابق، با وجود اتهامات سنگین قضائی و دوری ۱۸ماهه از پایتخت، از مخفیگاه خود در مناطق گرمسیری، از ناراضیاتی‌های معیشتی مردم به عنوان اهرم فشاری قدرتمند استفاده کرده و هدایت معترضان را به دست گرفته است.

حضور دوباره حامیان مورالس در خیابان‌ها و درگیری شدید آنها با پلیس، نشان‌دهنده شکست استراتژی آمریکا و جریان راست برای به‌حاشیه‌راندن این رهبر سوسیالیست است. مورالس به‌تازگی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دولت و جریان راست ادعا می‌کنند من یک مرده سیاسی هستم و توانایی بسیج هیچ‌کس را ندارم، اما همچنان مرا مقصر جلوه می‌دهند. تا زمانی که به مطالبات ساختاری، مانند مسائل مربوط به سوخت، غذا و تورم پاسخ داده نشود، این قیام فرونخواهد نشست». با تضعیف سریع مشروعیت دولت پاز که از حمایت پارلمانی و حزبی نیز محروم است، تحلیلگران معتقدند واشینگتن با کابوس بازگشت زودهنگام و قدرتمندانه جریان متمایل به مورالس مواجه شده است؛ تا جایی که مقامات آمریکایی ناچار شده‌اند بدون ارائه سند، رهبران این قیام مردمی را به ارتباط با باندهای قاچاق مخدر متهم کنند.



**Iran MS Society**  
انجمن هم‌انگاران ام‌اس ایران



# هیچ مرزی برای رویاهای ما وجود ندارد.

## ام اس ناتوانی نیست

کنترل ام اس با تشخیص به موقع و درمان



۶۶۹۵۳۹۰۷-۹

۶۶۹۵۱۱۸۷-۸



www.iranms.org